

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



عنوان : عاشقان شکم

موضوع : حقیقت روزه

مناسبت : پیشواز ماه رمضان ۹۸

کانال منبر آسمانی @m_asemani سخنرانی : چهل و یکم

بعضی از روایات منقول از حضرات معصومین علیهم السلام در عین اینکه انسان را به اوج امید و شادی درونی می رساند اما در عین حال انسان را مات و مبهوت می نماید ، من جمله روایتی که باقر آل محمد علیهم السلام برای پیر مرد با معرفت و عارفی همچون جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه نقل نمودند.

امام باقر علیهم السلام درباره عظمت ماه مبارک به جابر فرمودند :

هر کس ماه رمضان بر او وارد شود و روزهایش را روزه بدارد و پاسی از شب را به نیایش برخیزد و زبانش را نگهدارد و چشم خود از حرام بر بندد و آزار به کسی نرساند، مثل روز تولد از مادر از گناه پاکیزه می شود.

بعد جابر می گوید رو به حضرت گفتم: چه حدیث خوبی!

حضرت به من فرمودند: چه شرایط دشواری!^۲

در شرح این حدیث باید به این مطلب اشاره نمود که جابر دارای جایگاه ویژه‌ای از نظر معرفتی بود و مطمئناً به امساک‌های وارده در روایت عمل می‌کرد اما امام با این حدیث شریف می‌خواستند او را به مرتبه‌ای بالاتر و یا بُعدی عمیق‌تر از روزه رهنمون سازند زیرا یک موقع انسان روزه دار آنقدر غرق در انجام ندادن مبطلات روزه می‌شود که حقیقت روزه را فراموش می‌کند یا اصلاً راجع به حقیقت روزه فکر نمی‌کند.

^۳ به همین خاطر از قول حضرت صادق علیه السلام روایت شده که پروردگار عالم می‌فرماید:

الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أُجْزِي عَلَيْهِ^۴

^۲ من لايحضره الفقيه: ۲ / ۹۸، باب فضل شهر رمضان و ثواب صيامه؛ «وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَجَابِرٍ يَا جَابِرُ مَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ شَهْرُ رَمَضَانَ فَصَامَ نَهَارَهُ وَقَامَ وَرَدًا مِنْ لَيْلِهِ وَحَفِظَ فَرْجَهُ وَ لِسَانَهُ وَ غَضَّ بَصَرَهُ وَ كَفَّ أَذَاهُ خَرَجَ مِنَ الذُّنُوبِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ قَالَ جَابِرٌ قُلْتُ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ مَا أَحْسَنَ هَذَا مِنْ حَدِيثٍ قَالَ مَا أَشَدَّ هَذَا مِنْ شَرَطٍ.»

^۳ اقناع

^۴ الكافي: ۴ / ۶۳، باب ما جاء في فضل الصوم و الصائم

روزه ویژه من است، اختصاص، اتصال و به من ربط دارد، و پاداش آن بر عهده من است.

این روایت امام صادق علیه السلام دو قسمت دارد:

۱- روزه ویژه و برای خداست

۲- پاداش روزه نیز بر عهده خداست

حقیقت و ذات این دو جمله چیست؟ چه مسأله‌ای در کلام پروردگار قرار دارد؟ مگر نماز، فرمان او نیست، چرا نفرموده «الصلوة لی»؟ «الحجّ لی»؟ و «الجهاد لی»؟ مگر همه این موارد فرمان خداوند نیستند؟ مگر جهاد با دشمن و شهید و مجروح شدن که از عوارض جهاد است، فرمان خود او نیست؟ به نظر می‌رسد اگر در جمله «الصوم لی» تحقیق شود و با یک دید نورانی به آن نظر شود، سه حقیقت را می‌توان در این کلام خداوند مشاهده کرد.

۱- ترک شهوات حلال

در هیچ عبادتی ترک شهوات حلال نمی‌باشد، حتی برخی از شهوات حلال، خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و ترک بخشی از لذائذ، در طول زمان عبادت، لحاظ

نشده است. مانند «مجاهد فی سبیل الله» که در حال جهاد، می تواند بخورد و بیاشامد و در روز جهاد از غریزه جنسی به طریق حلال بهر مند شود.

شاید بعضی بگویند : در مراسم حج نیز غریزه جنسی حرام می شود که در پاسخ باید گفت : هنگامی که انسان وارد مناسک حج می شود، زمانی که محرم است، از غریزه جنسی محروم است، ولی در حال احرام، می تواند خنک ترین آب را بنوشد و خوشمزه ترین غذا را تناول کند یا لذت های دیگر حلال برای او بی مانع است اما خداوند روزه دار را دعوت می کند که در مقابل شهوات، خواسته ها، و لذائذ حلال از اذان صبح تا اذان مغرب ایستادگی نماید.

یک بُعد ارزشی روزه به خاطر ترک بسیاری از این امور حلال است؛ در روزه، بحث حرام در کار نیست، در این بخش بحث لذت ها، شهوات و امیال حلال در کار است. انسانی که بر انجام ندادن حلال خدا صبر می کند و در مقابل دعوت خدا خاکساری می نماید به دایره محبوبیت حق خواهد رسید. «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»

۲- هم رنگ شدن با خدا

روزه هم‌رنگ خدا است اما حج، جهاد و نماز هم‌رنگ خدا نیستند زیرا مردم در حج مناسک بجا می‌آورند، در جهاد اسلحه به روی دشمن می‌کشند، در نماز رکوع و سجود می‌کنند.

اما روزه یک امر غیبی و پنهانی است، یک امر سلبی است؛ یعنی هم‌رنگ با صفات سلبیه پروردگار و غیبی است؛ زیرا خدا نمی‌خورد، روزه دار هم نمی‌خورد، خدا نمی‌آشامد، روزه دار هم نمی‌آشامد و ... ، انسان هر جایی که نماز می‌خواند، همه می‌فهمند مشغول نماز خواندن است، در مکه انسان را می‌بینند که مشغول مناسک حج است، شخص را در جبهه می‌بینند که برای خدا اسلحه به دست می‌گیرد، اما شما نمی‌توانید از روزه یکدیگر با خبر شوید پس در میان جمع می‌توان روزه را آشکار نکرد و روزه در غیب و پنهان بودن هم هم‌رنگ ذات حق است. پس اینکه می‌فرماید: «الصوم لی»؛ یعنی مانند من غیب و پنهان است، دارای صفت سلبی است.

۵۳- روزه، اعلان محبت واقعی به خدا

روزه اعلان محبت واقعی به محبوب است، آیا نماز اعلان محبت نیست؟ خیر، نماز منافقین اعلان محبت نیست، ممکن است نماز کینه باشد، در پوشش نماز

می‌روند، اما هیچ منافقی در پوشش روزه نمی‌رود، در تمام ماه رمضان‌های مدینه منافقین مخفیانه غذا می‌خوردند و بعد پشت سر پیامبر ﷺ می‌آمدند و به عنوان روزه دار اقتدا می‌کردند، چون روزه را قبول نداشتند، نماز می‌خواندند، اما به خاطر نیرنگ به مسلمین نماز می‌خواندند، و اینکه بتوانند اسرار مسلمان‌ها را کشف کنند یا زمینه ضربه زدن را فراهم کنند، هیچ منافقی روزه نمی‌گیرد. روزه مختص مؤمن محبّ است، به مؤمن می‌گویند چرا غذا نمی‌خوری؟ می‌گوید: محبوبم گفته نخور؛ یعنی می‌خواهد یک روز مرا گرسنه و تشنه ببیند، می‌خواهد مرا به میهمانی دعوت کند و از من با گرسنگی و ترک شهوات پذیرایی نماید.

«الصوم لی»؛ یعنی عشق و محبت من در این نقطه می‌جوشد، آن کسی که عاشق صادق است، اهل روزه است، کسی که عاشق نیست، اهل روزه هم نیست، عاشق شکمش است، ولی کسی که از شکم و عوارض آن کناره‌گیری کند، به عشق امر محبوب از لذایذ کناره‌گیری کرده است.

چقدر خوب است در این ماه با عظمت ما نیز در کنار امساک از مبطلات روزه، خود را به شش منبع معنوی هر انسان مؤمنی در دنیا و آخرت متصل گردانیم تا ان شاء الله خداوند کمی از حقیقت روزه را به همه ما بچشاند.

اتصال به این شش منبع معنوی انسان را در دنیا و آخرت به درجات معنوی می‌رساند.

منبع اول، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

منبع دوم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

منبع سوم: «استغفر الله العظيم»

منبع چهارم: «لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم»

منبع پنجم: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

منبع ششم: «لا اله الا الله»

در ماه رمضان به همه این شش منبع که ریشه روایتی و قرآنی دارند متصل شوید بخصوص ذکر «لا اله الا الله» که همانند روزه پنهان می باشد و در حال گفتن این ذکر لب ها تکان نمی خورد و کسی متوجه ذکر گفتن ما نمی شود.

پیامبر ص فرمود: خداوند عزّ و جل به موسی بن عمران فرمود: ای موسی! اگر آسمان‌ها و تمام ساکنینش و مجموع زمین‌های هفت گانه را در پیشگاه من به

یک طرف ترازو و «لا اله الا الله» را در طرف دیگر بگذارند، به راستی که کفه
«لا اله الا الله» بر آن کفه ترجیح خواهد داشت.^۷

^۷ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ يَا مُوسَى لَوْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ
وَعَامِرِيهِنَّ عِنْدِي وَالْأَرْضِينَ السَّبْعَ فِي كَفَّةٍ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي كَفَّةٍ مَالَتْ بِهِنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ «وسائل
الشيعة: ۷ / ۲۰۹، باب ۴۴، حديث ۹۱۳۲؛ بحار الأنوار: ۹۰ / ۱۹۶، باب ۵، حديث ۱۸؛ ثواب
الأعمال: ۱۵؛ التوحيد: ۳۰، باب ۱، حديث ۳۴.»